



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - اشکالات مشترک به ادله خبر واحد - مصادف با: ۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۶ - اشکال دوم - تقریر چهارم - بررسی پاسخ محقق حائری به تقریر چهارم - پاسخ محقق خراسانی به تقریر چهارم - حق در مسئله - اشکال سوم و بررسی آن - شرح رساله حقوق - حق دوم نماز: «و انک قائم بها بین یدی الله»

جلسه: ۱۱۴

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم تقریر چهارم از اشکال دوم توسط بزرگان پاسخ داده شده است. چند پاسخ ذکر شد و مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ اخیر، پاسخ محقق حائری بود. دیروز پاسخ ایشان را نقل کردیم.

محصل پاسخ محقق حائری این است که صدق العادل به عنوان مفاد ادله حجیت خبر واحد در واقع خبر را به عنوان طریق الی الواقع جعل می کند. خبر واحد چون مفید ظن نوعی است، شارع آن را طریق به سوی واقع قرار داده است. لذا اینطور نیست که تعبدی در کار باشد و شارع یک حکمی را به عنوان تعبد جعل کرده باشد. ایشان می فرمایند: اگر عادل خبر از یک چیزی بدهد که آن چیز ملازم با چیز دیگر می باشد که دارای اثر شرعی است، ما می توانیم به آن اخذ کنیم و هر آنچه که بر خود آن مترتب بود بر لازم هم مترتب بکنیم. اگر خبر بدهد و مخبر به یک لازمی داشته باشد که آن لازم دارای اثر شرعی باشد، آن اثر بر این هم مترتب می شود. پس پایه استدلال ایشان مسئله ملازمه است و اینکه اگر یک چیزی طریق به احد المتلازمین بود، طریق به ملازم دیگر هم خواهد بود. لذا اگر یکی از متلازمین منتهی به اثر شرعی شود، آن اثر شرعی را بر این هم می توانیم مترتب کنیم.

بررسی پاسخ محقق حائری

دو اشکال متوجه این پاسخ هست:

اشکال اول

دلیلی بر این ملازمه دلالت نمی کند. ایشان می گوید: مثلاً شیخ طوسی خبر داده از قول مفید؛ گفته حدثنا المفید. این شیء ملازم با چیست که بخواهد دارای اثر شرعی باشد و طریقت خبر طوسی به این شیء، طریقت به آن هم محسوب شود و چه دلیلی بر این ملازمه وجود دارد؟ شارع چگونه این ملازمه را برای ما بیان کرده و این از کجا ثابت شده؟ پس اولین اشکال این است که لم یدل دلیل علی الملازمه.

اشکال دوم

این مخبر به که عبارت از قول مفید باشد، هیچ اثر شرعی بر آن مترتب نیست. شیخ طوسی خبر داده از مفید که مفید این چنین گفت. پس مخبر به، قول مفید است. خود قول مفید هیچ اثر شرعی ندارد. چون اگر ما بخواهیم شیخ طوسی را تصدیق کنیم، باید حتماً یک اثر شرعی بر مخبر به مترتب شود. الان چه اثر شرعی بر قول مفید مترتب شده است؟ البته برخی آثار مترتب است، مثلاً اینکه نسبتی

که به او داده شده، درست است. اینکه اگر اسناد به او داده شود، این اسناد به غیر علم نیست. اما اینها اثر شرعی نیست و لذا به حال ما فایده‌ای ندارد. اینکه استناد به او صحیح شود این اثر شرعی نیست. بنابراین صدق العادل نسبت به آن شمول ندارد، چون قول مفید یک موضوع خارجی است، و موضوعات خارجی به خبر واحد ثابت نمی‌شوند، بلکه باید بینه در کار باشد. البته این مبتنی بر این مبنا است که اخبار آحاد شامل موضوعات خارجی نمی‌شود. ولی لقائل ان یقول: که اخبار آحاد همانطوری که احکام را شامل می‌شود، موضوعات را هم در بر می‌گیرد.

فقط یک اشکال باقی می‌ماند که این را ما بعداً باید پاسخ دهیم، و آن اینکه اگر قرار باشد خبر واحد شامل موضوعات خارجی شود، پس بینه به کلی لغو می‌شود. بینه مربوط به موضوعات خارجی است. در برخی موضوعات خارجی، وجود دو شاهد عادل لازم است؛ یک عادل کافی نیست، دو نفر باید خبر و شهادت بدهند. آنوقت سوال پیش می‌آید که با وجود اعتبار اخبار آحاد در موضوعات خارجی، بینه چگونه قابل توجیه است؟ لذا حجیت بینه زیر سوال می‌رود، و لغو می‌شود. این بحثی است که ما در مبحث قلمرو حجیت خبر واحد، انشاءالله به آن خواهیم پرداخت.

به هر حال، پاسخ اصلی از تقریر چهارم همان است که ما از قول امام خمینی (رحمة الله علیه) نقل کردیم. توضیح دادیم در ذیل بررسی تقریر سوم به پاسخ امام اشاره کردیم و گفتیم که این پاسخ اساساً در صدد رفع اشکال دوم است، بنابر تقریرهای مختلفی که از این اشکال شده و قابل قبول هم هست.

پاسخ محقق خراسانی به تقریر چهارم

در مورد تقریر چهارم، پاسخ‌هایی هم محقق خراسانی در کفایه ذکر کرده که دیگر ما آن‌ها را بیان نمی‌کنیم. بعضی را البته اشاره کردیم. لکن محقق خراسانی سه پاسخ داده که اگر خواستید مراجعه بکنید. مثلاً یکی از پاسخ‌های محقق خراسانی این است که ما از راه عدم قول به فصل مشکل را حل می‌کنیم.

ایشان می‌فرماید: آنهایی که قائل به حجیت خبر واحد شدند، هیچ فرقی بین خبر با واسطه و خبر بی‌واسطه نگذاشتند، و آنهایی هم که قائل به عدم حجیت خبر واحد شدند، هیچ فرقی بین خبر با واسطه و خبر بی‌واسطه نگذاشتند. این در واقع اجماع مرکب یا عدم القول بالفصل است. پس ما از راه عدم قول به فصل می‌توانیم اشکال دوم را به کلی برطرف کنیم.

محقق خراسانی می‌فرماید: ما وقتی به اقوال بزرگان رجوع می‌کنیم، هیچکس قائل به تفصیل نشده است. آنهایی که قائل به حجیت شدند، تفصیل ندادند بین اخبار با واسطه و بی‌واسطه. آنهایی هم که قائل به عدم حجیت شدند، تفصیل ندادند بین اخبار با واسطه و بی‌واسطه. بنابراین از راه عدم القول بالفصل می‌توانیم حجیت اخبار آحاد را ثابت کنیم، چه خبرهایی که با واسطه نقل شدند و چه خبرهایی که بی‌واسطه نقل شده‌اند. این مطلبی است که محقق خراسانی فرموده.

البته خود ایشان در ذیل این پاسخ فرموده: فافهم. برخی این را اشاره به ضعف جواب‌های سه‌گانه دانسته‌اند. بعضی گفته‌اند که به معنای امر به فهم و دقت در تفاوت این جواب‌ها است که مثلاً در بعضی از آن‌ها از راه تنقیح مناط و کشف ملاک جریان حکم مسئله حل می‌شود، و در این راه اخیر، یعنی عدم القول بالفصل، از راه اجماع مرکب. به هر حال، پاسخ اخیری که ما از محقق خراسانی ذکر کردیم، واقعش این است که جواب و پاسخ اشکال نیست. این در واقع به تعبیر برخی از محشین کفایه، فرار از اشکال است.

حق در مسئله

پاسخ صحیح از اشکال دوم، همان است که امام خمینی (رحمة الله علیه) فرمود که عرف فرقی نمی‌گذارد بین اخبار با واسطه و بی‌واسطه. وجهش را هم توضیح دادیم. لذا اشکال دوم هم به نظر وارد نیست.

سوال:

استاد: ما در بین قائلین به حجیت خبر واحد هیچکسی نداریم که گفته باشد فقط اخبار بی‌واسطه حجت است. هیچ کسی... اشکال که ببینید، بحث علمی است، و نهایتش این است که می‌خواهد بگوید مثلاً این ادله این مشکل را دارند. حالا بزرگان نقل کردند، پاسخ دادند، ... نه، ایشان می‌خواهد از عدم تفصیل نتیجه بگیرد پس اشکال وارد نیست ... شما یک نمونه پیدا کن. این تفصیل را داده باشند، تفصیل‌های دیگر دادند ولی این تفصیل را ندادند... اصلاً ممکن است زائیده ذهن خود آقایان باشد ... کسی تفصیل نداده است.

اشکال سوم

اگر همه ادله حجیت خبر واحد هم تمام باشد، لکن ما در مقابل، آیات و روایاتی داریم که از اتباع غیر علم نهی می‌کند. این اقتضاء می‌کند خبر واحد حجت نباشد، و نهایتاً تعارض بین این‌ها پیش می‌آید، و بعد از تساقط رجوع به اصل اولی حرمت تعبد به ظن می‌شود. بنابراین خبر واحد نیز لا یجوز العمل به.

پاسخ اشکال سوم

پاسخ این اشکال هم روشن است. قبلاً هم گفتیم که ادله حجیت خبر واحد بر آیاتی که نهی از اتباع ظن می‌کنند وارد است یا حاکم بر آن‌ها است؛ مفصل این را توضیح دادیم. لذا دیگر جایی برای تعارض باقی نمی‌ماند، و این اشکال هم مرتفع است. نتیجه اینکه اخبار آحاد حجت هستند، فی الجمله ادله حجیت خبر واحد می‌تواند اخبار آحاد را برای ما حجت کند.

بحث جلسه آینده

یک بحث مهمی مانده که این را انشاءالله از شنبه شروع می‌کنیم. بسیار بحث مهمی است، و آن هم قلمرو اعتبار خبر واحد است. تا حالا اصل حجیت خبر واحد ثابت شد، اما اینجا معرکه آراء است، آیا حجیت خبر واحد اختصاص به احکام دارد یا شامل موضوعات خارجی هم می‌شود؟ آیا حجیت خبر واحد مختص امور غیر مهمه است یا شامل امور مهم هم می‌شود؟ آیا حجیت خبر واحد شامل اعتقادات هم می‌شود یا نه؟ آیا خبر واحد در محدوده اخلاقیات هم حجت است یا نه؟ آیا خبر واحد در مورد وقایع تاریخی حجت است یا نه؟ آیا خبر واحد که در ذیل آیات وارد شده و از آن‌ها تعبیر می‌شود به روایات تفسیری این‌ها حجت است یا نه؟

این همه روایات داریم. یک بخشی از روایات مربوط به احکام است، یک بخشی مربوط به موضوعات است، یک بخشی مربوط به عقاید و اخلاق است، یک بخشی مربوط به امور مهم است، یک بخشی از این اخبار که زیاد هم هست، مربوط به تاریخ و وقایع تاریخی است. آیا ادله حجیت خبر واحد که برای ما اخبار آحاد را حجت می‌کند، مطلق است و همه این امور را در بر می‌گیرد یا باید تفصیل بدهیم؟ مثلاً معروف این است که اخبار آحاد در احکام حجت است، اما در موضوعات خارجی حجت نیست. اینجا اختلاف زیاد است. ما باید درباره حجیت خبر واحد در این چند محور بحث کنیم. این بحث بسیار مهم، بسیار مورد ابتلا، و مورد نیاز و کاربردی است و بسیار بحث مهمی است که انشاءالله بتوانیم این را در دو سه هفته آینده که بحث‌ها ادامه دارد به سرانجام برسانیم.

شرح رساله حقوق

عرض کردیم امام سجاد (علیه السلام) دو حق برای نماز برشمردند. اولین حق نماز که دو جلسه گذشته درباره آن سخن گفتیم، شناخت و معرفت نماز است: «أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ»، «وفاده» یعنی مهمانی خدا؛ درگاه ورود به سوی خداوند؛ پله رسیدن به خدا. درباره حقیقت نماز اجمالاً مطالبی را بیان کرده‌ایم.

حق دوم نماز «و انک قائم بها بین یدی الله»

حق دوم این است که شما بدانید در مقابل خدا ایستاده‌اید. حق اول شناخت حقیقت نماز بود، حق دوم این است که تو در برابر خدا ایستاده‌ای: «و انک قائم بها بین یدی الله» به واسطه نماز تو در پیشگاه خداوند ایستاده‌ای و قرار گرفته‌ای. بعد یک نتایج و آثاری را ذکر می‌کند.

حالا این که انسان در برابر خدا ایستاده، چرا به عنوان یک حق ذکر شده؟ ما که معتقدیم همه این عالم محضر خداست. ما اصلاً در این عالم که زندگی می‌کنیم در حضور رب العالمین هستیم. همه اعمال، رفتار، حرکات و سکنت ما در محضر پروردگار است، و کسی که این حقیقت را دریابد که این عالم محضر خداست و ما در برابر حق تعالی قرار داریم، به سعادت خواهد رسید.

سوال این است که با اینکه همه این عالم و زندگی ما و رفتار ما، سکنت ما در برابر خداست، چرا اینجا می‌گوید: «و انک قائم بها بین یدی الله» این چه می‌خواهد بگوید؟ درک معرفت حضور خداوند را پیامبران، انبیاء و اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام داشته‌اند. آنها که در همه حالات ذکر داشته‌اند، توجه داشته‌اند خودشان را در حضور خداوند می‌دیده‌اند. مگر غیر از این است؟ آنها که به طور کلی همه وجودشان توجه به خداوند و بندگی بود، اما همانها هم در مورد نماز می‌گویند: «و انک قائم بها بین یدی الله» ما با نماز در مقابل خدا، در پیشگاه خدا ایستاده‌ایم. این یعنی چه؟ یعنی ما بدانیم نماز مجموعه‌ای از اذکار و اوراد و افعال است که ما به سبب آن در پیشگاه خدا قرار می‌گیریم. این معلوم می‌شود یک موقعیت خاص است. این غیر از آن توجهات و تذکرات در طول روز است. یعنی حتی آن کسی هم که از اولیای خدا باشد، مثل ائمه معصومین و پیامبران که دائم الذکرند و توجه به حضرت حق تعالی دارند، اما برای آنها هم نماز یک جایگاه خاصی دارد. نماز را به عنوان یک کاری می‌دانند که موجب توجه تام به خداوند تبارک و تعالی است. این چه حکمتی دارد؟ مگر خداوند نماز را چه عبادتی می‌داند و چه عبادتی قرار داده که متفاوت از همه اعمال و رفتار و مناسک دیگر است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به ابوذر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبِيبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَإِلَى الظَّمآنِ الْمَاءَ؛ فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ» می‌فرماید: «ای اباذر، خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داد و آن را نزد من محبوب و دوست‌داشتنی قرار داد، همانطور که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب قرار داد، با این تفاوت که انسان گرسنه با خوردن غذا سیر می‌شود و تشنه با نوشیدن آب سیراب می‌شود، اما من از نماز سیر نمی‌شوم». این خیلی عجیب است. این نشان می‌دهد که وقتی می‌گوید «أَنْكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ»، این به چه معناست؟ این که پیامبر می‌فرماید: «من از نماز سیر نمی‌شوم». پیامبری که دائم الذکر است، تام التوجه است، مسئله بسیار مهمی است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا اعرف شیئاً بعد المعرفة بالله افضل من الصلاة»^۱. می‌گوید: «من هیچ چیزی را بعد از معرفت به خداوند برتر و بالاتر از نماز نمی‌دانم».

من خیلی کوتاه این را عرض کنم که به طور کلی نماز در هیاهوی زندگی وسیله و ابزار توجه تام به خداوند است. ما در طول روز به اقتضای زندگی طبیعی، اشتغالاتی داریم؛ ذهن ما مشغول به اموری می‌شود؛ نیازهای طبیعی داریم؛ باید برای رفع این نیازها تلاش کنیم. در عالم ماده زندگی می‌کنیم، این اقتضای خاصی دارد و حضور و وجود ما در این عالم طبیعتاً در معرض راهزن‌های بزرگی است که توجه ما را از ملکوت به ملک بازگرداند. حتی پیامبر خدا بالاخره نیاز به خواب دارد، نیاز به غذا دارد، نیازهای طبیعی دارد. و این به نظر او غفلت‌هایی را برای پیامبر ایجاد می‌کرد که خود پیامبر فرمود: «من هر روز ۷۰ بار استغفار می‌کنم».

در این کشاکش زندگی، خداوند اوقاتی را برای توجه تام و ذکر تام انسان قرار داده است. لذا این همه تأکید می‌شود که در نماز ذهن‌تان را به دنیا مشغول نکنید. اینکه رسول خدا می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»^۲. یعنی کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن شائبه‌ای از شائبه‌های دنیا نباشد، چیزی به دل او از دنیا خطور نکند، خداوند همه گذشته او را می‌بخشد. این برای این است که نماز در قله است که ذهن انسان را به طور تام می‌تواند به خداوند متوجه کند.

اینکه می‌فرماید: «و انک قائم بها بین یدی الله» یعنی نماز مجموعه‌ای از اذکار و اعمال و اوراد و افعالی است که شما می‌توانید با آن، به این قله برسید. و این حق نماز بر توست که بدانی اختصاصاً در مقابل خدا ایستاده‌ای. این یک ایستادن خاص است، یک موقعیت خاص است، یک باریابی خاص است، یک اجازه تشریف خاص است. مثل اینکه به انسانی اجازه بدهند به محضر یک بزرگی و امیری و سلطانی اختصاصاً شرفیاب شود. اگر یک وقت اختصاصی برای انسان قرار بدهند برای باریابی و تشریف محضر یک بزرگ، انسان سر از پا نمی‌شناسد؛ مقدمات بسیاری فراهم می‌کند، به خودش می‌بالد و دائماً در سرور است برای اینکه می‌خواهد لحظاتی به محضر یک قدرتمند، یک ثروتمند برسد. حالا خداوند قدرت مطلق و ثروت مطلق و جمال مطلق و همه چیز است. این یک باریابی خاص است. لذا هرچه توجه تام تر و هرچه ذکر کامل‌تر، ثمراتش بیشتر است. خداوند این فرصت را برای انسان قرار داده است. این حق نماز است که ما باید رعایت کنیم. اول نماز را بشناسیم، بعد بدانیم نماز در واقع قالبی است برای ایستادن در برابر خداوند؛ «و انک قائم بها بین یدی الله» خداوند به ما توفیق بدهد بتوانیم حالا به این مقدار که نه، ماها خیلی فاصله داریم با این نمازها اما بالاخره به مرتبه‌ای از این مراتب دست پیدا کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ دعای الاسلام، جلد یک، صفحه ۱۳۳.

^۲ محجة البیضاء، جلد ۱، صفحه ۴۹.